



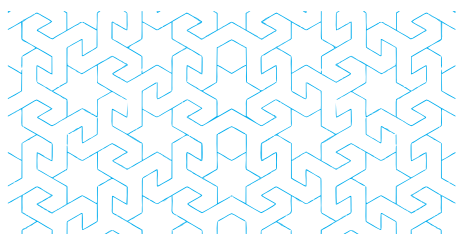
کتاب آموزش و تست

فلسفه دوازدهم

رشته علوم انسانی

از مجموعه مرشد

حامد یاری



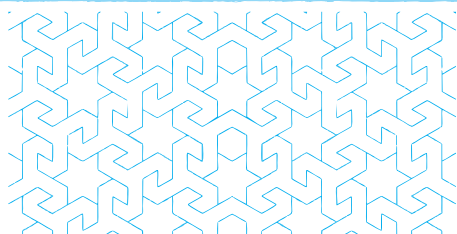
ווע
זענע
וועט
וועט

וועט

וועט

וועט

וועט





مقدمه

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

تألیف کتاب‌های علوم انسانی در مقطع متوسطه دوم از سوی مؤلفان و ناشران کتاب‌های کمک آموزشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. کتاب «فلسفه دوازدهم» مجموعه مرشد که با تلاش و زحمات فراوان آماده گردیده است می‌تواند پاسخگوی نیازهای علمی و تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوازدهم رشته علوم انسانی در این درس تخصصی باشد.

این کتاب در پنج بخش تدوین گردیده است:

♦ درسنامه‌های کامل که در عین سادگی و قابل فهم بودن از هر گونه تفسیر و توضیح خارج از کتاب پرهیز کرده است.

♦ پاسخ فعالیت‌های کتاب درسی

♦ پرسش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد همراه با پاسخ‌نامه تشریحی

♦ درس‌آزمون‌های متنوع برای هر درس همراه با پاسخ‌نامه تشریحی

♦ نمونه آزمون‌های نیم‌سال اول و دوم همراه با پاسخ‌نامه تشریحی

کتاب حاضر دانش‌آموزان رشته علوم انسانی را برای شرکت در کنکور آماده‌تر می‌سازد.

در اینجا لازم است از آقای مهندس هادی عزیززاده دبیر مجموعه و خانم‌ها: ناهید جلیلیان (صفحه‌آرا)، بهاره خدابی (گرافیک)، مینا هرمزی (طراح جلد) و طوبی عینی‌پور (بازخوانی) تشکر و سپاس‌گزاری نمایم. امیدوارم دبیران و دانش‌آموزان رشته علوم انسانی با اعلام پیشنهادهای و انتقادهای خود درباره این کتاب من را در بهتر کردن ویرایش‌های بعدی کتاب یاری نمایند.

♦ مؤلف: حامد یاری



♦♦♦ بخش اول: مسائل پیرامون واقعیت و هستی

درس اول: هستی و چیستی	۸
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول	۱۱
آزمون درس اول	۱۳
پاسخنامه تشریحی درس اول	۱۴
درس دوم: جهان ممکنات	۱۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم	۲۰
آزمون درس دوم	۲۲
پاسخنامه تشریحی درس دوم	۲۳
درس سوم: جهان علی و معلولی	۲۵
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم	۲۹
آزمون درس سوم	۳۱
پاسخنامه تشریحی درس سوم	۳۳
درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟	۳۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم	۴۰
آزمون درس چهارم	۴۲
پاسخنامه تشریحی درس چهارم	۴۴

♦♦♦ بخش دوم: پیرامون خدا و عقل

درس پنجم: خدا در فلسفه (۱)	۴۸
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پنجم	۵۳
آزمون درس پنجم	۵۶
پاسخنامه تشریحی درس پنجم	۵۸
درس ششم: خدا در فلسفه (۲)	۶۱
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم	۶۴
آزمون درس ششم	۶۶
پاسخنامه تشریحی درس ششم	۶۷
درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)	۶۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم	۷۳
آزمون درس هفتم	۷۶
پاسخنامه تشریحی درس هفتم	۷۸



۸۱	درس هشتم: عقل در فلسفه (۲).....
۸۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم.....
۸۹	آزمون درس هشتم.....
۹۰	پاسخنامه تشریحی درس هشتم.....
	بخش سوم: نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام
۹۴	درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱).....
۹۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم.....
۱۰۰	آزمون درس نهم.....
۱۰۱	پاسخنامه تشریحی درس نهم.....
۱۰۳	درس دهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام (۲).....
۱۰۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم.....
۱۱۰	آزمون درس دهم.....
۱۱۲	پاسخنامه تشریحی درس دهم.....
۱۱۵	درس یازدهم: دوران متأخر.....
۱۱۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم.....
۱۲۲	آزمون درس یازدهم.....
۱۲۴	پاسخنامه تشریحی درس یازدهم.....
۱۲۷	آزمون نیمسال اول.....
۱۲۹	آزمون نیمسال دوم.....
۱۳۱	پاسخنامه آزمون.....



بخش ۱:

مسایل پیرامون واقعیت و هستی

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

هر یک از ما با دقت در زندگی خویش، متوجه می‌شویم که همواره در اطرافمان چیزهایی را یافته و به حسب نیاز، از آنها استفاده کرده‌ایم؛ برای مثال، آب را شناخته‌ایم و با نوشیدن آن تشنگی خود را رفع کرده‌ایم. در همین سیر به گذشته، مواردی را هم به خاطر داریم که چیزی را واقعی و موجود پنداشته‌ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده‌ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند غول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب. پدری کودک خود را به باغ وحش می‌برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می‌کند. کودک با دیدن آن حیوان از پدر می‌پرسد این چیست؟ و پدر می‌گوید این حیوان فیل نام دارد و در ادامه ویژگی‌های این حیوان را بیان می‌کند. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که به وجود حیوان پی برده است و می‌داند که آنها موجودند اما از ماهیت و چیستی حیوان آگاه نیست. او می‌خواهد آن حیوان را که موجود است بشناسد و از چیستی آن آگاه شود هر چند که این آگاهی کامل نباشد.

پس می‌توانیم بگوییم:

- ① انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو حیثیت می‌یابد: حیثیت موجود بودن و حیثیت چیستی داشتن.
- ② وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح کرد. این‌سینا دیگر فیلسوف مسلمان راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد:

«وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند». آن‌گونه که اکسیرن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند حتی مثل کاغذ و رنگ هم نیستند که مثلاً اگر کسی بپرسد چه رنگی است می‌گوییم سفید است. وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است و الاً در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و انسان نداریم یعنی در خارج از ذهن واقعی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم؛ به عبارت دیگر انسان و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت‌اند نه دو موجود دوگانه.

این‌سینا می‌گوید در دو گزاره: { انسان حیوان ناطق است } حمل «وجود» بر انسان با حمل «حیوان ناطق» بر انسان متفاوت است. انسان موجود است

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»

- «حیوان ناطق» که محمول قضیه است در تعریف انسان آمده است.
- انسان همان حیوان ناطق است به عبارت دیگر این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.
- هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.
- اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می‌رود
- همان‌طور که از واژه مثلث برای شکل سه‌ضلعی استفاده می‌شود و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی‌شان است، حیوان ناطق نیز مفهوم گسترده انسان است.

بنابراین حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید.

در عبارت «انسان موجود است»

مفهوم «وجود» از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.

میان انسان به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست.

به همین سبب انسان می‌تواند موجود باشد و می‌تواند موجود نباشد.

بنابراین حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی یا تجربی باشد یا عقلی محض. توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن‌سینا در این بحث بدین معنا نیست که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته‌اند. ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه وجود را از ماهیت جدا می‌سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می‌کند.

مغایرت وجود و ماهیت:

به علت توجه خاص ابن‌سینا، این بحث با عنوان و یا عنوان‌هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است. این نظر، پایه‌ی یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت.

فلاسفه هم نظر با ابن‌سینا در اروپا

توماس آکوئیناس:

- او با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود و نظر ابن‌سینا درباره مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش و موجب مناقشات فراوانی شد.
- او همچون ابن‌سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار فلسفه توماسی-تومیسم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

فلاسفه دیگری مانند **آلبرت کبیر** (از پیشگامان رشد ارسطوگرایی در اروپا) و **راجر بیکن** نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند. اینان در قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه‌ای را در اروپا ترویج می‌کردند که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه‌گرایی این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه‌های حس‌گرا و تجربه‌گرا دادند.

این نظر ابن‌سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفتگوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا عصر ملاصدرا دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است.

تأمل:

❓ رفتار طبیعی و معمولی فوق که همه ما انسان‌ها بدون استثنا انجام می‌دهیم، دربردارنده چه پیام‌های فلسفی است؟

- در این عالم واقعیت یا واقعیت‌هایی هست. (اصل رئالیسم)
- بین این واقعیت‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. (تکثر و اختلاف بین موجودات)
- انسان توانایی و قدرت شناخت برخی از واقعیت‌ها را دارد.

تکمیل گزاره‌ها:

- اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم چیرستی آنها را تا حدود زیادی می‌شناسیم و هم از هستی‌شان اطلاع داریم؛ مانند: ☒ کتاب، میز، درخت، کوه
- برخی امور هستند که چیرستی‌شان برای ما روشن است و حتی در علوم هم کاربرد دارند اما نمی‌دانیم به همان دقتی که آنها را تعریف می‌کنیم وجود دارند یا نه؛ مانند: ☒ مثلث، دایره، اتم
- برخی امور هستند که از هستی‌شان خبر داریم اما هنوز درباره چیرستی آنها نظر روشنی نداریم؛ مانند: ☒ روح، عقل، جاذبه
- چیرستی‌های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل وجود ندارند؛ مانند: ☒ دریای جیوه، گول، سیمرغ، ققنوس



بررسی:

- ۴ اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آید؟ توضیح دهید.
- ✓ بله. در این صورت: الف) تصور هر ماهیتی باید مساوی با موجود شدن باشد درحالی که ماهیت ذاتاً ممکن و نسبتش با وجود و عدم یکسان است. ب) وقتی وجود چیزی برای ما روشن باشد باید ماهیت آن هم برای ما روشن می‌بود و برعکس. درحالی که اینگونه نیست. گاهی اوقات از هستی چیزی مطمئن هستیم ولی چیستی آن برای ما روشن نیست؛ مانند ققنوس، غول و....
- ج) حمل وجود بر هر ماهیتی نیازمند دلیل نبود و بین وجود هر چیز با ماهیت آن رابطه ضروری برقرار بود.
- د) سلب وجود از ماهیت امکان نداشت، چراکه سلب شیء از خودش یا سلب جزء شیء از آن محال است.

بازبینی:

۴ با توجه به بیان ابن سینا به سوال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- آیا چهار گزاره طرح شده با بیان ابن سینا هماهنگ‌اند؟

✓ بله

۲- کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تایید می‌کند؟

✓ تمام گزاره‌ها با نظر ابن سینا هماهنگ است و بین آن‌ها تناقضی وجود ندارد.

به کار بندیم:

۱- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید ترتیب آن‌ها چگونه باید باشد و چرا؟

الف) من می‌توانم اشیاء را بشناسم. ۲

ب) من هستم. ۱

پ) اشیاء هستند. ۳

۲- علی و محمد در حال گفت و گو بودند، از دور حیوانی را دیدند. علی گفت آن حیوان شیر است ولی محمد گفت آن حیوان پلنگ است، وقتی حیوان نزدیک شد دیدند نه شیر است و نه پلنگ، بلکه ببر است.

۴ به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در نسبت بین چیستی و هستی حیوان گرفت؟

✓ در این حالت وجود یک حیوان برای دونفر ثابت شده است ولی ماهیت و چیستی آن معلوم نیست. این امر نشان می‌دهد که وجود و ماهیت باهم متفاوت است.

۳- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟

۱ انسان حیوان است. ✓ حیوان ذاتی انسان است. نیاز به دلیل نیست.

۲ انسان شیر است. ✓ شیر قابل حمل بر انسان نیست.

نکته اگر دلالت لفظ شیر مطابقی باشد، قابل حمل نیست. همچنین اگر حمل در جمله حمل مفهومی باشد، به این معنا که مفهوم شیر، تمام یا جزئی از مفهوم انسان باشد، باز هم قابل حمل نیست. اما اگر حمل مصداقی باشد و دلالت شیر هم دلالت التزامی و به معنای شجاع باشد، قابل حمل است و حمل آن نیاز به دلیل دارد.

۳ انسان مخلوق است. ✓ حمل مخلوق بر انسان نیاز به دلیل دارد. (مفهوم مخلوق ذاتی مفهوم انسان نیست).

۴ انسان ناطق است. ✓ ناطق ذاتی انسان است و نیاز به دلیل نیست.

۵ انسان موجود است. ✓ حمل موجود بر انسان نیازمند به دلیل است. (مفهوم وجود ذاتی مفهوم انسان نیست)

توضیح: حمل هرچیز (محمول) بر موضوع یا امکان ندارد (گزینه ۲) و یا امکان دارد. در صورت دوم یا محمول ذاتی موضوع (عین یا جزء آن) است ◀ نیاز به دلیل ندارد (گزینه‌های ۱ و ۴). یا محمول ذاتی موضوع نیست ◀ نیاز به دلیل دارد (۳ و ۵)

۴- آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

✓ خیر چون سه ضلعی ذاتی مثلث است و رابطه بین موضوع و محمول ضروری است.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ۱

۱. کدام یک از مفاهیم فلسفی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند که در کنار هم به کار می‌روند؟
 ۱ هستی و نیستی ۲ مطلق و نسبی ۳ هستی و چیستی ۴ مکان و زمان
۲. کودکی که برای اولین بار فیل دیده است و از پدر خود می‌پرسد که این حیوان چیست؟ در واقع از آن حیوان پرسش نموده است اما در واقع از حیوان آگاه است.
 ۱ چیستی - ماهیت ۲ هستی - ماهیت ۳ هستی - چیستی ۴ چیستی - هستی
۳. کدام فیلسوف مسلمان به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز این دو مفهوم نکاتی را مطرح نمود؟
 ۱ ابوریحان بیرونی ۲ ملاصدرا ۳ فارابی ۴ ابن رشد
۴. کدام یک از مباحث فلسفی با عنوان «وجود و ماهیت» شناخته می‌شوند؟
 ۱ هستی و چیستی ۲ امکان و امتناع ۳ علت و معلول ۴ ضرورت و وجوب
۵. از نظر ابن‌سینا در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»:
 ۱ حمل «وجود» بر انسان با حمل «حیوان ناطق» بر انسان کاملاً یکسان است.
 ۲ انسان به عنوان موضوع «حیوان ناطق» با انسان به عنوان موضوع «موجود» متفاوت است.
 ۳ حمل «انسان» بر حیوان ناطق ناشی از حمل «موجود» بر انسان است.
 ۴ حمل «وجود» بر انسان با حمل «حیوان ناطق» بر انسان کاملاً متفاوت است.
۶. «وجود»، وجه و «ماهیت» وجه موجودات است.
 ۱ ضروری - ممکن ۲ اختصاصی - مشترک ۳ ممکن - ضروری ۴ مشترک - اختصاصی
۷. از نظر ابن‌سینا وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت انسان و وجود از چه جهتی است؟
 ۱ فقط در ذهن و از جهت مفهوم ۲ فقط در خارج از ذهن و از جهت واقعیت
 ۳ فقط در ذهن و از جهت واقعیت ۴ هم در ذهن و در خارج از ذهن از جهت آگاهی به آن
۸. انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند دو حیثیت می‌بیند این دو حیثیت عبارتند از:
 ۱ ضرورت داشتن و معلول بودن ۲ موجود بودن و چیستی داشتن
 ۳ کمال داشتن و جاری بودن ۴ محمول بودن و موضوع داشتن
۹. از نظر ابن‌سینا کدام مفهوم می‌تواند مفهوم گسترده انسان باشد؟
 ۱ حیوان ناطق ۲ واجب‌الوجوب به الذات ۳ موجود مخلوق ۴ ممکن‌الوجود
۱۰. کدام‌یک از فیلسوفان یونان باستان و در کدام کتاب خود، وجود را از ماهیت جدا می‌سازد؟
 ۱ افلاطون - جمهوری ۲ ارسطو - مابعدالطبیعه ۳ افلاطون - مابعدالطبیعه ۴ ارسطو - جمهوری
۱۱. ابن‌سینا راه را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند به این معنا نیست که
 ۱ ابن‌رشد - آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند.
 ۲ فارابی - آنها دو مفهوم مختلف‌اند که تفاوت‌شان در ذهن از جهت مفهوم است.
 ۳ ابن‌رشد - آنها دو مفهوم مختلف‌اند که تفاوت‌شان در ذهن از جهت مفهوم است.
 ۴ فارابی - آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند.
۱۲. مبحث «مغایرت وجود و ماهیت» پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات به نام برهان قرار گرفت.
 ۱ قانون علیّت - علی و معلولی ۲ قانون علیّت - وجوب و امکان ۳ وجود خدا - علی و معلولی ۴ وجود خدا - وجوب و امکان
۱۳. توماس آکوئیناس با طرح کدام نظر ابن‌سینا موجب مناقشات فراوانی در اروپا شد؟
 ۱ هستی و چیستی ۲ مغایرت وجود و ماهیت ۳ سنخیت علت و معلول ۴ تضاد عقل و حس

۱۴. از نظر ابن‌سینا وقتی می‌گوییم «انسان موجود است»، انسان و وجود دو مختلف و متفاوت‌اند نه دو جداگانه.

- ۱) مفهوم - چیستی ۲) موجود - چیستی ۳) مفهوم - موجود ۴) موجود - مفهوم

۱۵. از نظر ابن‌سینا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» مانند استفاده از واژه برای است.

- ۱) اکسیژن - آب ۲) موجود - انسان ۳) کاغذ - رنگ کاغذ ۴) مثلث - شکل سه‌ضلعی

۱۶. حمل «وجود» بر هر از جمله انسان نیازمند دلیل است و در عبارت «انسان موجود است» مفهوم وجود جز تعریف انسان

قرار

- ۱) هستی - نمی‌گیرد ۲) هستی - می‌گیرد ۳) چیستی - نمی‌گیرد ۴) چیستی - می‌گیرد

۱۷. در کدام عبارت، محمول بیانگر یک حمل ضروری است؟

- ۱) انسان حیوان ناطق است. ۲) آب از اکسیژن است. ۳) انسان موجود زنده است. ۴) انسان مخلوق است.

۱۸. پایه‌گذار فلسفه توماسی - تومیسیم در اروپا چه کسی بود؟

- ۱) ابن‌سینا ۲) آکوئیناس ۳) بیکن ۴) دکارت

۱۹. کدام فیلسوفان اروپا، نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند؟

- ۱) آلبرت کبیر و راجر بیکن ۲) کانت و رنه دکارت ۳) اگوست کنت و راجر بیکن ۴) مالتوس و البرت کبیر

۲۰. در قرن‌های «۱۳ تا ۱۵ میلادی» فلسفه و از آغاز قرن ۱۶ میلادی فلسفه در اروپا رواج پیدا کرد.

- ۱) ابن‌سینا - حس‌گرا و تجربه‌گرا ۲) ابن‌سینا - عقل‌گرا

- ۳) ارسطویی - حس‌گرا و تجربه‌گرا ۴) ارسطویی - عقل‌گرا

۲۱. از نظر ابن‌سینا حمل بر انسان یک حمل ضروری است و میان «انسان» به عنوان یک چیستی و رابطه ضروری

برقرار نیست.

- ۱) حیوان ناطق - وجود ۲) موجود - حیوان ناطق ۳) ماهیت - وجود ۴) وجود - ماهیت

۲۲. فلاسفه غرب از طریق چه کسانی با فلسفه ارسطویی آشنا شدند؟

- ۱) ابن‌سینا و ابن‌رشد ۲) ملاصدرا و فارابی ۳) خوارزمی و سهروردی ۴) ابن‌سینا و سهروردی

آزمون درس ۱

الف) در گزینه‌های زیر موارد درست و نادرست را مشخص کنید.

درست نادرست

☐
☐

۱- از نظر ابن‌سینا، انسان و وجود هر دو یک مفهوم با دو معنای متفاوت‌اند.

☐
☐

۲- حمل ضروری به دلیل نیاز ندارد.

☐
☐

۳- برهان «وجوب و امکان» یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خداست.

ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۴- دو مفهوم چیستی و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند.

۵- از نظر ابن‌سینا، «حیوان ناطق» مفهوم انسان است.

۶- حمل «وجود» بر هر چیستی نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است باشد یا عقلی محض.

۷- ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه را از جدا می‌سازد اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می‌کند.

۸- توماس آکوئیناس پایه‌گذار فلسفه در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

پ) به سؤالات زیر پاسخ کوتاه بدهید.

۹- کدام حیثیت وجه مشترک همه موجودات است؟

۱۰- کدام فیلسوف اروپایی با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود و با گسترش نظر او درباره مغایرت وجود و ماهیت موجب مناقشاتی در اروپا شد؟

۱۱- فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد با کدام فلسفه آشنا شدند؟

۱۲- گزینه‌های مرتبط را به یکدیگر وصل کنید.

● وجود بودن

● وجه مشترک موجودات

● حیوان ناطق

● وجه اختصاصی موجودات

● ماهیت

● حمل ضروری بر انسان

● وجود

ث) به سؤالات زیر پاسخ کامل بدهید.

۱۳- از نظر ابن‌سینا وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند منظور چیست؟

۱۴- از نظر ابن‌سینا در دو عبارت زیر حمل محمول بر انسان چه تفاوتی دارد؟

الف) انسان حیوان ناطق است.

ب) انسان موجود است.

۱۵- فعالیت‌های فلسفی توماس آکوئیناس با الهام از کدام فیلسوف مسلمان بود و چه نتایجی داشت؟

پاسخ نامه پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ۱

۱. گزینه ۳

یکی از مباحث اولیه فلسفه تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

۲. گزینه ۴

کودکی که برای اولین بار فیل دیده است و از پدر خود می‌پرسد که این حیوان چیست؟ در واقع از چیستی (ماهیت) آن حیوان پرسش نموده است اما در واقع از هستی و وجود حیوان آگاه است.

۳. گزینه ۳

فارابی فیلسوف مسلمان به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز این دو مفهوم نکاتی را مطرح نمود.

۴. گزینه ۱

یکی از مباحث اولیه فلسفه تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است.

۵. گزینه ۴

ابن سینا می‌گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل «وجود» بر انسان با حمل «حیوان ناطق» بر انسان کاملاً متفاوت است.

۶. گزینه ۴

وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت وجه اختصاصی آنها.

۷. گزینه ۱

از نظر ابن‌سینا، وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.

۸. گزینه ۲

انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند دو حیثیت می‌بیند: حیثیت موجود بودن و حیثیت چیستی داشتن.

۹. گزینه ۱

از نظر ابن‌سینا، حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.

۱۰. گزینه ۲

ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه، وجود را از ماهیت جدا می‌سازد و به توضیحات کوتاهی اکتفا می‌کند.

۱۱. گزینه ۳

ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند.

۱۲. گزینه ۴

فرق بین ماهیت و وجود (مغایرت وجود و ماهیت) بی‌تردید یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان وجوب و امکان نیز قرار گرفت.

۱۳. گزینه ۲

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود این نظر (مغایرت وجود و ماهیت) را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد.

۱۴. گزینه ۳

از نظر ابن‌سینا وقتی می‌گوییم «انسان موجود است»، انسان و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت‌اند نه دو موجود جداگانه.

۱۵. گزینه ۴

از نظر ابن‌سینا همان‌طور که از واژه مثلث برای شکل سه‌ضلعی استفاده می‌شود و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی‌شان است، حیوان ناطق نیز مفهوم گسترده انسان است.

۱۶. گزینه ۳

حمل «وجود» بر هر چیستی از جمله انسان نیازمند دلیل است و در عبارت «انسان موجود است» مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.

۱۷. گزینه ۱

حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد.

۱۸. گزینه ۲

توماس آکوئیناس پایه‌گذار فلسفه توماسی - تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

۱۹. گزینه ۱

فلاسفه دیگری مانند آلبرت کبیر و راجربیکن نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند.

۲۰. گزینه ۳

اینان در قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه‌ای را در اروپا ترویج می‌کردند که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدی ابن‌رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه‌گرایی، این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه‌های حس‌گرا و تجربه‌گرا دادند.

از نظر ابن سینا، حمل «حیوان ناطق» بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد بنابراین

میان انسان به عنوان یک چیستی و وجود رابطه ضروری برقرار نیست.

۲۲. گزینه ۱

فلاسفه اروپا از طریق ابن سینا و ابن رشد با فلسفه ارسطویی آشنا شدند.

پاسخنامه آزمون درس ۱

ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که مثلاً اگر کسی بپرسد چه رنگی است، می‌گوییم سفید است. وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است و آلا در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و انسان نداریم؛ یعنی در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم. به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت‌اند نه دو موجود جداگانه.

۱۴.

از نظر ابن سینا در عبارت انسان حیوان ناطق است «حیوان ناطق» که محمول قضیه است در تعریف انسان آمده است. انسان همان حیوان ناطق است به عبارت دیگر این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می‌رود همان‌طور که از واژه مثلث برای شکل سه‌ضلعی استفاده می‌شود و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی‌شان است، حیوان ناطق نیز مفهوم گسترده انسان است. بنابراین حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید. اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. میان انسان به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست. به همین سبب انسان می‌تواند موجود باشد و می‌تواند موجود نباشد؛ بنابراین حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی یا تجربی باشد یا عقلی محض.

۱۵.

او با فلسفه ابن سینا آشنا بود و نظر ابن سینا درباره مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار فلسفه توماسی-تومیس در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

۱.

نادرست

۲.

درست

۳.

درست

۴.

هستی

۵.

گسترده

۶.

حسی و تجربی

۷.

وجود-ماهیت

۸.

توماسی-تومیس

۹.

وجود

۱۰.

توماس آکوئیناس

۱۱.

فلسفه ارسطویی

۱۲.

وجه مشترک موجودات (وجود) - وجه اختصاصی موجودات (ماهیت)
- حمل ضروری بر انسان (حیوان ناطق)

۱۳.

از نظر ابن سینا وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم

چه آن روز که دانشمندان فکر می‌کردند جهان فقط از چهار عنصر تشکیل شده و چه امروز که دانسته‌اند طبیعت به این گستردگی است، بسیاری از مسئله‌های فیلسوفان همچنان ثابت مانده است و همین امروز دربارهٔ آنها بحث می‌کنند و کتاب می‌نویسند. از جمله اینکه:

جهان متناهی است یا نامتناهی؟

- ❓ این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند «مه بانگ» دارد؟
- ❓ هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟
- ❓ آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیر جسمانی هم هست؟
- ❓ آیا موجودات این جهان، چه متناهی و چه نامتناهی، می‌توانسته‌اند نباشند؟

مفاهیم سه گانه

به قضایای زیر توجه کنید:

- عدد چهار زوج است.
- مثلث سه زاویه دارد.
- اسب جاندار است.

آیا ممکن است عدد ۴ زوج نباشد، مثلث شکل نباشد و اسب جاندار نباشد؟ پاسخ منفی است؛ زیرا عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست؛ مثلث اگر شکل نباشد، مثلث نیست؛ اسب هم اگر جاندار نباشد، اسب نیست. می‌توان گفت محمول‌های این قضایا برای موضوعشان ضروری هستند ← **ضرورت**

- دیوار خانه ما سفید است.
- خربزه میوه شیرینی است.
- هوای جنوب کشور گرم است.

آیا ممکن است دیوار سفید نباشد و خربزه شیرین نباشد و هوای جنوب گرم نباشد؟ پاسخ مثبت است؛ یعنی، با اینکه دیوار خانه ما فعلاً سفید است، اما می‌تواند سفید نباشد. خربزه هم می‌تواند شیرین نباشد. هوای جنوب نیز می‌تواند گرم نباشد. بنابراین محمول‌های این دسته از قضایا برای موضوعشان ضروری نیستند بلکه ممکن هستند؛ یعنی، هم می‌توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند ← **امکان**

- عدد هشت فرد است.
- تعداد موجودات روی زمین بی‌نهایت است.
- مثلث، دایره است.

در هر سه قضیه، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد، موجودات روی زمین نامحدود باشند و مثلث دایره باشد ← **امتناع**

ممکن الوجود بودن اشیاء

ابن‌سینا مغایرت میان وجود و ماهیت را به خوبی تبیین کرده است. وی از این بحث خود استفاده کرد و نظر دیگری را که فارابی و قبل از او، ارسطو به اجمال بیان کرده بودند، توضیح داد. ابن‌سینا می‌گوید:

«وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطهٔ امکانی برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه‌ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین، به‌گونه‌ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتاً می‌توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن‌الوجودند».

طرح یک سوال

در اینجا این سؤال مهم پیش روی فلاسفه قرار می‌گیرد: اگر انسان، گیاه، حیوان و همه چیزهایی که این جهان را «تشکیل» داده‌اند، ذاتاً و ماهیتاً نسبت به وجود حالت «امکان» دارند چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده‌اند؟ به عبارت دیگر، چرا موجود بودن برای این ماهیات ضرورت پیدا کرده است؟ قبل از بیان پاسخ فلاسفه به سؤال فوق، به این توضیح توجه کنید: درست است که رابطه میان دیوار و سفیدی یک رابطه امکانی است، یعنی دیوار ممکن است سفید باشد و ممکن است نباشد؛ اما اگر دیوار خانه ما سفید شد، معلوم می‌شود که این حالت امکانی از بین رفته و رابطه ضرورت برقرار شده است و الا دیوار خانه سفید نمی‌شد. همچنین درست است که رابطه میان «وجود» و «گیاه» یک رابطه امکانی است اما اگر گیاه موجود شد، معلوم می‌شود که رابطه ضرورت میان وجود و گیاه برقرار شده است؛ یعنی وجود برای گیاه ضرورت پیدا کرده است.

اکنون بار دیگر به سؤال برگردیم: «چرا انسان، گیاه، حیوان و سایر اشیاء که نسبت به وجود رابطه امکانی داشته‌اند، از این رابطه خارج شده‌اند و وجود برای آنها ضروری شده است و موجود شده‌اند؟»

ابن سینا با سؤال کننده همراهی می‌کند و می‌گوید: آری، درست است. نمی‌شود که چیزی ذاتاً نسبت به وجود حالت امکانی داشته باشد و ممکن‌الوجود باشد و خودبه‌خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد و موجود شود. به عبارت دیگر، این اشیاء، که ذاتاً ممکن‌الوجودند، تا واجب‌الوجود نشوند، موجود نمی‌شوند و چون ماهیتاً واجب‌الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب‌الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. پس همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب‌الوجود شده‌اند. به عبارت دیگر «واجب‌الوجود بالغیر»ند.

ابن سینا می‌گوید: اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن‌الوجودند، به واجب‌الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین اشیای جهان واجب‌الوجود بالغیر هستند. واجب‌الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. بی‌نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب‌الوجود بالذات برطرف نمی‌سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می‌دارد.

اقسام واجب‌الوجود از نظر ابن سینا

واجب‌الوجود بالذات	همان ذاتی که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.
واجب‌الوجود بالغیر	همه ماهیاتی که ذاتاً ممکن‌الوجودند و به واسطه عاملی دیگر واجب‌الوجود شده‌اند.

پیام اصلی ابن‌سینا و پیروان او:

موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن‌الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب‌الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب‌الوجود بالذات» نشأت گرفته‌اند.

برهان وجوب و امکان

فلاسفه بعد از ابن‌سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب‌الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را «برهان وجوب و امکان» نامیده‌اند. توماس آکوئیناس، که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می‌کرده است، این برهان را نیز در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت. در جهان اسلام نیز فلاسفه‌ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده‌اند. ملاصدرا و صدرائیان این برهان را ارتقا بخشیدند و علاوه بر همین بیان، از بیان قوی‌تری که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند.

امکان فقری

ملاصدرا می‌گوید، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می‌بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند؛ در میان این موجودات، نمی‌توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد. وی این وابستگی و فقر وجودی را «امکان فقری» نامید تا آن را از «امکان ماهوی» که ابن سینا بیان می‌کرد جدا کند. ملاصدرا می‌گوید، این فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می‌کنیم، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی‌نیازی برخوردار است. آن غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته‌اند.

انواع وجود از نظر ملاصدرا

وجود بی‌نیاز و غیروابسته

وجودهای نیازمند و وابسته



طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می‌گردند و نور آنها خاموش می‌شود.

به هرجا دانه‌ای در باغ و راغی است	درون مغز او روشن چراغی است
بود نامحرمان را چشم و دل کور	وگرنه هیچ ذره نیست بی‌نور
بخوان تو آیه نور السموات	که چون خورشید یابی جمله ذرات
که تا دانی که در هر ذره خاک	یکی نوری است تابان گشته، زان پاک

تمرین:

۱- در سه قضیه زیر رابطه کدام موضوع با محمول خود واجب، کدام ممکن و کدام ممتنع است؟

۱- مجموع دو ضلع مثلث بزرگ‌تر از ضلع سوم است.

✓ (واجب)

۲- ارتفاع و میانه یکی است.

✓ (ممکن)

۳- مجموع زوایای مثلث سه قائمه است.

✓ (ممتنع)

تعیین رابطه:

۱- اگر بخواهیم وجود را محمول موضوعات زیر قرار دهیم به نظر شما رابطه میان وجود با این موضوعات از نوع ضرورت خواهد بود یا امکان یا امتناع؟

خاک	مهربانی	سوختن	سرد شدن	دیو	عدد بی‌نهایت	شریک خدا	فرشتگان
امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	امتناع	امتناع	امکان

دریایی از جیوه	روح	پرنده	انرژی	الکتریسیته
امکان	امکان	امکان	امکان	امکان

تفکر:

۱- درباره دو سؤال زیر فکر کنید و پاسخ دهید.

۱- اگر وجود برای حقیقتی ضرورت ذاتی داشته باشد، آیا آن ذات می‌تواند موجود نشود؟ چرا؟

✓ خیر. به دلیل اینکه وقتی ذات چیزی مساوی با وجود باشد و تمام شرایط و عوامل برای موجود شدن چیزی فراهم باشد، باید آن حقیقت موجود شود در غیر این صورت باید بتوان هر چیزی را جدای از ذاتیاتش فرض کرد. عقلاً امکان ندارد وجود چیزی ضروری باشد ولی موجود نشود. پذیرش این امر مساوی با صدفه و اتفاق و افتادن در ورطه سفسطه‌گری است.

۲- اگر وجود برای امری امتناع ذاتی داشته باشد، آیا آن امر می‌تواند از امتناع خارج گردد و موجود شود؟ چرا؟

✓ در این حالت نیز چون ذات چیزی قابلیت موجود شدن ندارد امکان تحقق آن ذاتاً محال و خلاف عقل است، چرا که موجود شدن امری که وجودش ممتنع است به معنای پذیرش صدفه و اتفاق و مساوی با سفسطه‌گری است.

۱- مفاهیم مرتبط با هم را مشخص کنید و با آنها قضیهٔ موجب یا سالبه بسازید. سپس، رابطهٔ میان موضوع و محمول را از حیث وجوب، امکان و امتناع مشخص کنید.

مثلث، جهان، مربع، فریاد، پیراهن حسن، عدد سه

چهار ضلع، نابود، سه ضلع، آبی، بلند، زوج

✓ الف) مثلث و سه ضلع: مثلث دارای سه ضلع است. (مثلث سه ضلعی است) (رابطه وجوبی)

مثلث سه ضلعی نیست. (رابطه امتناعی). مثلث و چهارضلع: مثلث چهارضلعی است (رابطه امتناعی)

مثلث چهارضلعی نیست (رابطه امتناعی)

ب) جهان و نابود: جهان قابل نابودشدن است/ نیست (رابطه امکانی)

ج) مربع دارای چهارضلع است (رابطه وجوبی) مربع چهار ضلعی نیست (رابطه امتناعی)

د) فریاد بلند است/ نیست. (رابطه امکانی)

ه) پیراهن حسن آبی است/نیست. (رابطه امکانی) پیراهن حسن بلند است/ نیست. (رابطه امکانی)

و) عدد سه زوج است. (رابطه امتناعی) عدد سه زوج نیست. (رابطه وجوبی)

۲- رابطهٔ وجود برای کدام یک از موضوعات زیر ضروری یا امکانی و یا امتناعی است؟

خداوند	انسان	شریک خدا	آخرت	دریای جیوه	مستطیل	جمع شب و روز
وجوبی	امکانی	امتناعی	امکانی	امکانی	امکانی	امتناعی

۳- آیا موجودات عالم را می‌توان به واجب و ممکن تقسیم کرد؟ اگر تقسیم به واجب و ممکن مناسب نیست، کدام تقسیم مناسب است؟

✓ بله درست است. موجودات از نظر ذات به واجب و ممکن تقسیم می‌شوند ولی از این جهت که وجود دارند به واجب‌الوجود بالذات و واجب‌الوجود بالغیر تقسیم می‌شوند. به دلیل اینکه اکنون اگر وجود دارند قبل از مرحله وجود، برای موجود شدن وجوب و ضرورت پیدا کرده‌اند و هرچیزی تا به مرحله وجوب و ضرورت نرسد موجود هم نمی‌شود.

۴- کدام گزینه صحیح است؟

اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم، معلوم می‌شود که:

الف) این ماهیت ذاتاً نمی‌تواند موجود شود. ✓ نادرست

ب) این ماهیت هنوز از حالت امکانی خارج نشده است. ✓ درست

ج) علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد. ✓ درست

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ۲

۱. در کدام یک از قضایا، محمول برای موضوعش ضروری نیست؟

- ۱ مثلث سه زاویه دارد. ۲ عدد چهار، زوج است.
۳ هوای جنوب کشور گرم است. ۴ اسب، جاندار است.

۲. در کدام گزینه، محمول از نظر امکان و امتناع با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱ خربزه میوه شیرینی است. ۲ مثلث، دایره‌ای شکل است.
۳ عدد هشت فرد است. ۴ تعداد موجودات روی زمین بی‌نهایت است.

۳. در قضیه «دیوار خانه ما سفید است» چه رابطه‌ای بین محمول و موضوع برقرار است؟

- ۱ ممتنع ۲ ممکن ۳ واجب ۴ متضاد

۴. از نظر ابن‌سینا میان «اشیا پیرامون» و «وجود» یک رابطه برقرار است و این اشیا هستند.

- ۱ امکانی - ممکن‌الوجود ۲ وجوبی - واجب‌الوجود ۳ امکانی - واجب‌الوجود ۴ وجوبی - ممکن‌الوجود

۵. ممکن‌الوجود بودن اشیا به این معناست که:

- ۱ احتمال وجود آنها بیشتر از عدم احتمال وجودشان است. ۲ ماهیت اشیا به گونه‌ای است که نبودن آنها محال است.
۳ ذات و ماهیت اشیا به گونه‌ای نیست که حتماً باید باشند. ۴ بودن یا نبودن هر شی به اشیا دیگر بستگی دارد.

۶. کدام فیلسوفان درباره ممکن‌الوجود بودن اشیا اظهار نظر کرده‌اند؟

- ۱ فارابی - افلاطون - ابن‌رشد ۲ ارسطو - سهروردی - ابن‌رشد
۳ ابن‌سینا - فارابی - ارسطو ۴ افلاطون - سهروردی - ابن‌سینا

۷. از نظر ابن‌سینا، اقسام واجب‌الوجود کدام‌اند؟

- ۱ واجب‌الوجود تام - واجب‌الوجود ناقص ۲ واجب‌الوجود بالغیر - واجب‌الوجود بالذات
۳ واجب‌الوجود بالذات - واجب‌الوجود بالعرض ۴ واجب‌الوجود بالنور - واجب‌الوجود بالنفس

۸. رابطه «گیاه» و «وجود» یک رابطه است اما اگر گیاه موجود شد معلوم می‌شود که رابطه میان وجود و گیاه

به‌وجود آمده است.

- ۱ امتناعی - امکانی ۲ ضروری - امکانی ۳ امتناعی - ضرورت ۴ امکانی - ضرورت

۹. از نظر ابن‌سینا، اشیا که ذاتاً هستند تا نشوند موجود نمی‌شوند.

- ۱ واجب‌الوجود - واجب‌الوجود بالغیر ۲ ممکن‌الوجود - واجب‌الوجود
۳ ممکن‌الوجود - ممتنع‌الوجود ۴ ممتنع‌الوجود - واجب‌الوجود

۱۰. فلاسفه بعد از ابن‌سینا، بیان وی در اثبات واجب‌الوجود را چه نامیده‌اند و کدام فیلسوف اروپایی این برهان را در اروپا گسترش داد؟

- ۱ برهان صدق و کذب - توماس آکوئیناس ۲ برهان صدق و کذب - آلبرت کبیر
۳ برهان وجوب و امکان - توماس آکوئیناس ۴ برهان وجوب و امکان - آلبرت کبیر

۱۱. ابن‌سینا با استفاده از کدام بحث فلسفی به ممکن‌الوجود بودن اشیا پرداخت؟

- ۱ مغایرت وجود و ماهیت ۲ بطلان تسلسل علل
۳ سنخیت علت و معلول ۴ معلوم بودن بالذات

۱۲. کدام گزینه بیانگر تعریف ابن‌سینا از «واجب‌الوجود بالغیر» است؟

- ۱ ماهیاتی که ذاتاً ممکن‌الوجودند اما به واسطه عاملی دیگر واجب‌الوجود شده‌اند.
۲ موجوداتی که ذاتاً واجب‌الوجودند اما خود به خود «وجود» برایشان ضروری نمی‌گردد.
۳ اشیایی که واجب‌الوجود نیستند و به واسطه عاملی دیگر ممکن‌الوجود می‌شوند.
۴ چیزی که ذاتاً نسبت به وجود خود حالت امکانی داشته و خود به خود از حالت امکان خارج می‌شود.